

چالش نظم نئولیبرال و رویکرد اجماع پکن با تمرکز بر قدرت اقتصادی

هادی ترکی*

ارسالان قربانی شیخ نشین**

چکیده

سازوکار در حال شکل‌گیری اجماع پکن منجر به تقابلی نظم‌بخش با اجماع واشنگتن شده‌است. این رقابت به‌خصوص در زمینه اقتصادی بین آمریکا و چین شدت گرفته که نباید خارج از منابع، ایده و نهاد آن را بررسی کرد. شاید این اجماع در نظر به دنبال ایجاد یک نظم و همومنی نباشد، عملاً در منابع مالی، ایده و نهاد گویای چیز دیگریست؛ به عبارتی اجماع پکن هرچند بیشتر به دنبال سازوکاری اقتصادی است، در فرهنگ، سیاست، ایدئولوژی و نهادسازی نیز در حال شکل‌گیری است. اجماع پکن علاوه بر اینکه بر تولید ناخالص سرانه تأکید دارد، به سبک زندگی و کیفیت آن، فرهنگ و تعامل با دیگران در نظام بین‌الملل در قالب منابع، نهادها و منابع مالی نیز توجه دارد که می‌تواند شروع یک شیوه جدید در ساختار بین‌الملل باشد. پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از «اجماع پکن چگونه به عنوان جایگزین یا تکمیل‌کننده نظم همومونیک بین‌المللی در حال ظهور است؟» برای دستیابی به پاسخ این پرسش از روش تحقیق تبیینی - تحلیلی با استناد به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و از نظریه «نوگرامشی در روابط بین‌الملل» بهره برده‌ایم. از نظر نویسندگان مقاله، اجماع پکن از طریق تأکید بر ایده‌ها و نهادهایی متمایز با نظم همومونیک نئولیبرال و نیز گسترش منابع مالی و پولی به حوزه‌های پیرامونی، جایگزین یا دست‌کم تکمیل‌کننده نظم همومونیک است که از اقتصاد شروع شده است.

واژه‌های کلیدی: اجماع پکن، اجماع واشنگتن، چین، نظم نئولیبرال، قدرت اقتصادی

* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسؤل): haditorki1366@yahoo.com

** استاد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱

فصلنامه روابط خارجی، سال یازدهم، شماره چهل‌وسوم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۶۰-۱۳۳

مقدمه

اجماع پکن را می‌توان نقطه عطفی دانست که تجلی آن ابتدا از اقتصاد و سپس در ایده‌ها و نهادها جلوه‌گر است. اوج توجه به این اجماع را باید در «ابتکار کمربند و راه»^۱ دید. همان‌طور که «شن»^۲ و «چان»^۳ تاکید دارند طرح‌های بزرگ مانند «طرح مارشال»^۴ پس از جنگ جهانی دوم و طرح کمربند راه چین که پس از بحران مالی ۲۰۰۸، رخ داد هر چند دلایل زیادی می‌تواند داشته باشند، باید دلایل تاریخی برای آن قائل بود که سرآغاز آن را باید در ناتوانی لیبرالیسم با توجه به بحران‌های مالی و اقتصادی و حکمرانی جهانی دانست. به عبارتی با وجود بحران‌های متعدد برای نظم لیبرالیسم و خلأهای ناشی از آن، اجماع پکن شکل گرفت که می‌توان با «رامو» هم‌صدا بود و گفت: «اجماع پکن علاوه بر تولید ناخالص سرانه داخلی بر کیفیت زندگی نیز توجه دارد. علاوه بر اینکه بر اقتصاد توجه دارد بر فرهنگ مدارا و مسالمت نیز تمرکز دارد که سعی دارد جهان را به سمت نظمی جدید پیش ببرد» (Ramo, 2004: 12).

رویکرد اجماع پکن در مقایسه با اجماع واشنگتن را می‌توان در موارد ذیل

یافت:

۱. حضور چین در کشورهای توسعه نیافته به خصوص در آمریکای لاتین و آفریقا در حوزه‌های انرژی و منابع طبیعی و کمک‌های مالی برای زیرساخت‌ها که در

1. Belt and Road Initiative

2. Shen

3. Chan

4. Marshall Plan

- مقایسه با سخت‌گیری‌های اجماع واشنگتن قابل توجه است.
۲. وابستگی رو به رشد بین چین و کشورهای کمتر توسعه یافته (به‌ویژه آمریکای لاتین) که آمریکایی‌ها نگران این امر هستند .
۳. توجه چین به حفظ روابط و ثبات در مناطق کمتر توسعه یافته که سرمایه‌گذاری‌های خود را در قالب حمایت‌های گفت‌وگوگرایانه بیان کرده‌است.
۴. تامین منابع مالی برای کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین که صندوق بین‌المللی پول کمتر از این طرح‌ها استقبال می‌کند. به‌گونه‌ای که مهم‌ترین سازمان‌های تأمین مالی رسمی چینی بانک توسعه چین است که میلیاردها دلار برای دولت‌ها و شرکت‌ها در کشورهای در حال توسعه به بانک توسعه آفریقا وام داده که این مبلغ بیش از بانک جهانی است.
۵. استراتژی دو جانبه چین با کشورهای کمتر توسعه یافته که باعث شده چین موافقت‌نامه تجارت آزاد با شیلی و پرو امضاء کند (Javier & others, 2014: 98 & 99).
۶. حرکت به سمت نهادهایی که به مانند بانک جهانی و صندوق توسعه رویکرد تجویزی ندارند.
- اجماع پکن چند ویژگی دارد که شامل این موارد می‌شود: "ابتکار"، محور توسعه اقتصادی در نظر گرفته می‌شود؛ طبیعی بودن نابسامانی اقتصادی در آینده؛ عدم مداخله خارجی در فرایند توسعه و لزوم تدوین برنامه متناسب با شرایط بومی؛ تغییر اجتماعی سرآغاز تغییر اقتصادی است (شیرخانی و پیرسلامی، ۱۳۹۵: ۱۴۴-۱۴۲) همه این موارد به‌نوعی با نظم نئولیبرال تقابل دارد؛ به عبارتی به چالش کشیدن ناتو؛ اعلام جنگ تجاری آمریکا با چین، ژاپن و مکزیک؛ تشویق و تحسین ساختار اقتدارگرایی روسیه از سوی ترامپ، نگرانی‌هایی در مورد آینده نظم لیبرال و توانایی آمریکا در مدیریت نظم بین‌المللی و جلوگیری از شکل‌گیری جایگزین‌های جدید برای این نظم را افزایش می‌دهد (رادگودرزی و صفری، ۱۳۹۸: ۲۲۸). نظم لیبرال، توسط بانک جهانی، صندوق توسعه و سازمان تجارت جهانی (گات) به‌عنوان نهادهای مالی و پولی آن در نظم بخشیدن به ساختار نظام جهانی مؤثر واقع و پس از جنگ جهانی دوم،

آمریکا با طرح مارشال به عنوان هژمون شروع به فعالیت کرد که البته با بحران‌هایی روبه‌رو بود که نشان از ضعف در مدیریت جهانی دارد. آخرین بحران مالی در سال ۲۰۰۸، اتفاق افتاد که با سوء مدیریت آمریکا همراه شد و تشدید این بی‌مدیریتی در سال ۲۰۲۰، توسط کرونا و ویروس بهتر جلوه‌گر این امر است.

در باره پیشینه تحقیق می‌توان به آثار متفاوتی اشاره کرد، وجه تمایز این مقاله با سایر کارهای علمی در این است که مقاله بر تغییر نظم نئولیبرال توسط قدرت اقتصادی چین تاکید دارد که به آرامی از اقتصاد شروع و سپس به دیگر جنبه‌ها تسری پیدا می‌کند؛ به عبارتی، اجماع پکن توانسته با توجه به ناکارآمدی روش‌های نئولیبرال در نهادهای مالی و پولی بین‌المللی، سبب اعمال فشار از جانب اقتصادهای نوظهور برای تغییر نظم موجود شود و خود این رویه باعث تضعیف نظم نئولیبرال شود. در ادامه به پیشینه بحث می‌پردازیم.

رامو (۲۰۰۴) در اثر خود به الگوی اجماع پکن و ابعاد آن می‌پردازد که می‌تواند نوعی الگوی توسعه چینی باشد که در اجماع پکن نمایان می‌شود. رامو اجماع پکن را صرفاً شامل تولید ناخالص سرانه داخلی نمی‌داند؛ بلکه ابعاد دیگر قدرت مانند فرهنگ چینی را برای بازسازی نظم بین‌المللی مهم می‌داند و تاکید دارد این امر باعث می‌شود فرهنگ کنفوسیوسی، جهان را به سمت نظامی جدید پیش ببرد (Ramo, 2004: 12).

اثر دیگر نوشته شیرخانی و پیرسلامی می‌باشد که با عنوان «اجماع پکن؛ الگوی نوین توسعه در عصر جهانی» (۱۳۹۵) که به زمینه‌هایی ایجابی مانند سیاست خارجی توسعه‌گرا، شاخص‌های چشمگیر اقتصادی، عملکرد قابل قبول در بحران مالی شرق آسیا توسط چین می‌پردازند و آنها را برای الگویی توسعه‌ای جدید در عصر جهانی مهم قلمداد کرده‌اند.

کار دیگر متعلق به «یائو» (۲۰۱۱)، است. وی در اثر خود به موفقیت اقتصادی چین و رویکرد چینی‌ها می‌پردازد که توجه سیاست‌ورزان چینی به نخبگان را عاملی مهم می‌داند. در این رویکرد، چینی‌ها شایستگی‌ها را براساس سهم داشتن در رشد اقتصادی تقسیم می‌کنند.

مقاله دیگر را رادگودرزی و عسگر (۱۳۹۸) نوشته‌اند. آنها نتیجه می‌گیرند علی‌رغم گسترش و تنش میان چین و غرب، نگاه چین به نظم لیبرالی اصلاح‌گر است.

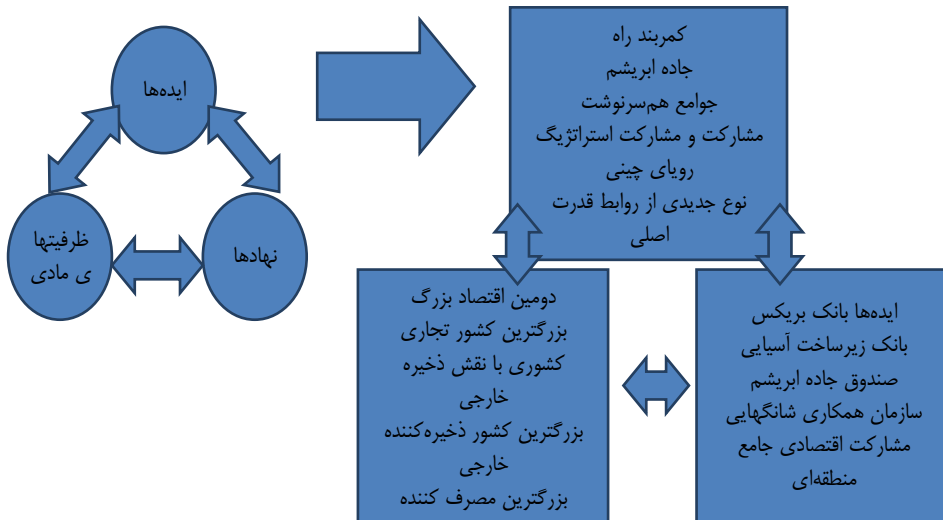
در این پژوهش به این مطلب می‌پردازیم که نظم نئولیبرال با نوعی چالش توسط اجماع پکن روبه‌رو است. مقاله با بهره‌گیری از نظریه «کاکس» مبنی بر اینکه قدرت هژمون ابتدا در داخل شروع و سپس به بیرون سرازیر می‌شود، تأکید دارد چین نیز این رویکرد را در پیش گرفته است و سعی دارد در «منابع»، «ایده» و «نهادهای» تغییراتی را ایجاد کند که مقابل نظم هژمونیک لیبرال است. هرچند ممکن است برخی بر این نظر باشند که چین چنین نیت و قصدی ندارد، باید گفت این کشور، عملاً دست‌کم تکمیل‌کننده نظم هژمونیک است که در مقابل نظم لیبرال قرار گرفته‌است که چگونگی این امر، سؤال اصلی مقاله است.

۱. چهارچوب نظری

پیوند میان انباشت داخلی قدرت یک دولت و تثبیت هژمونی آن از یک‌سو و به‌کارگیری این قدرت در بیرون از مرزها برای شکل دادن به نظم منطقه‌ای و جهانی را می‌توان از نگاه مکتب «نئوگراشی» روابط بین‌الملل بررسی کرد که از سوی «رابرت کاکس» (طرفدار اصلی این نظریه)، بیان شده است. کاکس مفهوم هژمونی را از سطح ملی به سطح بین‌المللی ارتقا داده و در این چارچوب، شکل‌گیری یک هژمونی جهان‌شمول را به عنوان گسترش بیرونی هژمونی داخلی (ملی) تفسیر کرده است. او نظریه‌ای انتقادی را برای کشف ارتباط میان هژمون، نظم جهانی و تغییر تاریخی مطرح کرده است. چنین رابطه‌ای توضیح می‌دهد که چگونه هژمونی داخلی که توسط نیروهای طبقاتی و اجتماعی غالب در دولت _ ملت هدایت می‌شود، به بیرون گسترش یابد و در سطحی جهانی برای شکل دادن به نظم بین‌المللی به‌کار گرفته شود. (Cox, 1981: 55) در همین راستا، «بیلر» و «مورتون» توضیحات مفیدی از تعامل داخلی و بین‌المللی میان ایده‌ها، ظرفیت‌های مادی و نهادهای ارائه می‌دهند: «زمانی که هژمونی از نظر داخلی تثبیت شد، امکان دارد به فراتر از یک نظم اجتماعی ویژه گسترش پیدا کند و به سمت بیرون در گستره‌ای جهانی

حرکت کند و در این حال یک شیوه خاص از روابط اجتماعی تولیدی را گسترش بخشد. این حرکت با سازوکارهای سازمان‌دهی‌های بین‌المللی حمایت می‌شود. سرانجام، در چارچوب هر یک از سه حوزه اصلی، استدلال می‌شود که سه عنصر دیگر به صورت متقابل ترکیب شوند تا ساختاری تاریخی را شکل دهند: ایده‌ها، که به عنوان معانی میان ذهنی و همچنین تصاویر جمعی نظم جهانی شناخته می‌شوند؛ قابلیت‌های مادی، که به منابع انباشته اشاره دارد؛ و نهادها، که آمیخته‌ای از دو عنصر قبلی هستند و به معنای تثبیت یک نظم خاص به شمار می‌روند» (Bieler & Morton, 2003: 110). شکل زیر، منظومه قدرت داخلی چین و گسترش خارجی آن (سمت راست) در چارچوب ساختار تاریخی هژمونی کاکس (سمت چپ) را نشان می‌دهد (کاکس، ۱۹۸۱: ۱۳۶). ظهور چین و طرح ابتکار یک کمربند، یک راه، نشان دهنده پیوندهای ساختاری میان ظرفیت‌های مادی (منابع انباشته)، ایده‌ها (تصاویر جمعی نظم اجتماعی/جهانی) و نهادها (به معنای ابداع یک نظم خاص) است. این امر بدین معناست که ممکن است تغییر در هر یک از سه حوزه رخ دهد: مثلاً ظهور نیروهای مخالف اجتماعی _ سیاسی و اجتماعی _ اقتصادی ممکن است به تغییراتی در تولید منجر شود و تحول در دولت و نظم جهانی را به دنبال داشته باشد.

نمودار ۱.



(منبع: کاکس، ۱۹۸۱: ۱۳)

هدف ابتدایی نظریه هژمونی کاکس توضیح این مطلب بود که چگونه ایالات متحده، که با روابط قدرت داخلی و نیروهای اجتماعی هدایت می‌شد، توانست نظم جهان پس از جنگ را شکل دهد و رهبری کند. «جوزف نای» معتقد است این تحول در دوره «ویلسون» صورت گرفته است که دو تغییر سیاست خارجی آمریکا و تغییر ماهیت سیاست جهانی روی داده است (Nye, 2019: 66). زمینه تجربی کاکس، این بود که چگونه هژمونی ایالات متحده از طریق سازمان‌های بین‌المللی تحت رهبری این کشور (نظم برتون وودز) به شکلی نهادینه استمرار پیدا کرد و این وضع، ایالات متحده و هم‌پیمانانش را قادر ساخت تا موقعیت مطلوب خود را در نظم جهانی حفظ کنند و در کل روند توسعه نظام را شکل دهند. نهادهای بین‌المللی چندجانبه ابزار مهمی هستند که از طریق آن‌ها هنجارها و ارزش‌های هژمونی جهانی بیان می‌شود. آن‌ها به عنوان واسطه‌های مشروعیت‌بخش نظم هژمونیک و تجسم هنجارهای ضروری که در چارچوب آن، نظام بین‌المللی ساخته می‌شود، عمل می‌کنند. این نهادهای بین‌المللی چندجانبه تحت رهبری ایالات متحده، خودشان را با هنجارهای هژمونیک غربی تثبیت کرده‌اند. از این نهادها با عنوان "هنجارهای عام" نیز یاد می‌شود که قواعد رفتار نهادها و دولت‌ها را تعریف می‌کنند؛ لذا با قدرت‌یابی چین در عرصه نهادسازی و شکل‌گیری این ایده که نظم لیبرال مبتنی بر آموزه‌های غربی است، باعث شده که اجماع پکن همان‌طور که یادآور شدیم رویه‌های خلاف نظم لیبرال داشته باشد. هرچند نای تاکید دارد که آمریکا در حال حاضر بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی دنیاست (Nye, 2019: 73). در این میان، چین در طرح کمربند راه تلاش دارد برای ایجاد یک بلوک تاریخی جایگزین به منظور به چالش کشیدن نظم موجود رهبری ایدئولوژیک و مادی را در دست بگیرد. اساساً ابتکار کمربند راه ابتکاری دولتی در حال اجراست که تأمین مالی این ابتکار تا چه اندازه متکی به حمایت نهادهای مالی است (میرترابی و ترکی، 1398: 436). به عبارتی این راهبرد یک‌راه بازتاب مفهوم گرامشی درباره جنگ موقعیت^۱ است که در آن پکن در حال توسعه یک جایگزین «چند جانبه» (نهادهای مالی بین‌المللی به رهبری چین) به عنوان ابزاری

1. War of position

نهادینه جهت تحقق بخشیدن به ابتکار خود است. این ترتیبات نهادینه شده تحت رهبری چین، از منظر روابط بین‌الملل، نوآورانه است و نشانگر تغییر موضع پکن در اتخاذ رویکردی فعالانه‌تر در سیاست خارجی است. این ترتیبات همچنین نشان از آن دارد که چین علاوه بر گسترش فرهنگ کنفوسیوس، سعی دارد که مشارکت‌های چندجانبه و پیمان‌های دوجانبه در همه قاره‌ها برقرار سازد و باعث گسترش هنجارهای جدید باشد که نتیجه نهایی آن می‌تواند تغییر در «ساختار»، «نهاد» و در نهایت «نظم» باشد که بتواند دولت‌ها و بازیگران متعدد را با خود همراه سازد.

در ساختار بین‌الملل، مساله نظم بین‌المللی از دغدغه‌های اصلی تئوریسین‌های روابط بین‌الملل است؛ به عبارتی، نظم‌الگویی از فعالیت‌های بین‌المللی است که اهداف اساسی دولت‌ها را حفظ می‌کند. هر چند نظم بین‌المللی پدیده‌ای تک بعدی نیست، هر تدبیری در ترتیبات میان دولت‌ها را هم نمی‌توان نظم بین‌المللی تعریف کرد. این مسأله متکی بر تقاضای کنونی برای نظم در حوزه‌های اصلی ذیل است: ۱. ایجاد موازنه سیاسی _ نظامی قدرت؛ ۲. کارآمدی نهادهای بین‌المللی در تدبیر امور جهانی (حکومت مداری)؛ ۳. افزایش سهم ایده‌ها در ایجاد فرهنگ ضد آنارشیک؛ ۴. تلاش روابط بین‌الملل در تبیین؛ یعنی، نظام بین‌الملل با کثرت پارادایم‌های روبه‌رو (متقی و رضایی، ۱۳۸۸: ۲۶۶). بنابراین، مسئله تغییر نظم در سیستم نظام بین‌الملل نیازمند یک «فرایند» بوده که به‌طور مداوم و آهسته صورت گیرد و به صورت یکباره نظم جدیدی جایگزین نظم قبلی نشود؛ لذا اجماع پکن ابتدا در اقتصاد و منابع مالی ورود کرد و سپس در ایده‌ها و نهادها در حرکت است که البته نباید تقدم و تأخر این سه مؤلفه را ترتیبی دانست؛ بلکه ترکیبی است.

۲. اجماع پکن

اجماع پکن به‌عنوان ایده‌ای نظری، اولین بار توسط «جوشا کوپر» (Ramo, 2004: 4). مطرح شد. رامو، عضو شورای روابط خارجی ایالات متحده و مرکز سیاست خارجی در بریتانیا، اجماع پکن را به‌عنوان چالشی جدی برای اجماع واشنگتن می‌داند که این ظهور چین را نه تنها برای توسعه؛ بلکه برای انطباق با نظم بین‌الملل

به گونه‌ای که واقعاً مستقل است، برمی‌شمارد تا از شیوه زندگی و انتخاب‌های سیاسی محافظت کنند (Arrighi & Zhang, 2011: 28). الگوی توسعه چینی که به «اجماع پکن» معروف است، از سوی بسیاری، به‌عنوان یک منبع قدرت نرم شناخته می‌شود که می‌تواند جذابیت زیادی را در دیگر کشورها ایجاد کند.

قدرت نرم و مسالمت‌جویانه چین در این اجماع شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱. اعطای کمک‌های مالی و اقتصادی؛ که یکی از عمده‌ترین ابزارهای دولت چین برای پیشبرد نفوذ خود در کشورهای در حال توسعه در سراسر مناطق جهان محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال، کشورهای آفریقایی با دریافت وام‌های با بهره بسیار پایین از چین و صرف آنها در امور زیربنایی، شرایط لازم جهت توسعه خود را فراهم می‌کنند؛

۲. رسانه‌های بین‌المللی چین که از اواسط دهه ۱۹۹۰، دولت کمونیست چین تلاش‌های مستمر خود را برای افزایش قدرت رقابت خود در عرصه رادیو و تلویزیون‌های بین‌المللی افزایش داده است. به اعتقاد «دیوید شامباوگ»^۱، تبلیغات خارجی چین پس از مائو از چهار ماموریت اصلی ناشی می‌شود که عبارتند از: ۱. معرفی چین به جهان خارج و ترویج فرهنگ چینی در خارج از کشور؛ ۲. مقابله با تبلیغات خارجی خصمانه (نظیر تئوری تهدید چین)؛ ۳. مقابله با تمایلات استقلال‌طلبانه تایوان و ترویج همبستگی آن با چین؛ ۴. ارتقاء سیاست خارجی چین؛ ۳. ترویج فرهنگ و زبان چینی است که چین بیشتر از یک میلیون مبادله فرهنگی را در سال تحقق می‌بخشد و امروزه بیشتر از ۳۰ میلیون نفر در خارج از چین در چهارچوب این مؤسسات، مشغول یادگیری زبان چینی هستند (نریمانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۲-۱۹۶).

در واقع، اجماع پکن با رویکردی صلح‌محور، گفت‌وگو‌محور و سازگار با نظم نئولیبرالیستی وارد این نظم شده‌است و ویژگی‌های مختص خود را دارا می‌باشد که ویژگی‌های آن در موارد ذیل یافت می‌شود:

۱. حضور در کشورهای توسعه‌نیافته به‌ویژه در آمریکای لاتین و آفریقا که برای

کشورهای جنوب جذاب است و مبنای آن گفت‌وگو محوری است که این رویه خلاف سیاست‌های اجماع و اشنگتن است؛

۲. ایجاد وابستگی رو به رشد بین چین و کشورهای کمتر توسعه یافته؛

۳. توجه چین به حفظ روابط و ثبات در مناطق کمتر توسعه یافته که

سرمایه‌گذاری‌های خود را در قالب حمایت‌های گفت‌وگو گرایانه بیان کرده است؛

۴. تامین منابع مالی برای کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین که صندوق

بین‌المللی پول کمتر استقبال می‌کند؛

۵. استراتژی دو جانبه چین با کشورهای کمتر توسعه یافته است که باعث شده

چین موافقت‌نامه تجارت آزاد با شیلی و پرو امضاء کند (Javier & others, 2014: 98 & 99).

اصولی که اجماع پکن پیگیری می‌کند، شامل: احترام به حقوق سیاسی کشورها در مسیر توسعه، اقتصادگرایی، تعامل سنجیده و چندجانبه‌گرایی می‌شود (جوزانی کهن، ۱۳۹۸: ۶). به عبارتی، مهم‌ترین شاخص‌های مدل پکن عبارتند از: ۱. توجه به ابتکار در اقتصاد؛ ۲. طبیعی بودن نابسامانی اقتصادی در آینده توسعه. مدل اجماع پکن ضمن رد این رویکرد که صرف اصلاحات اقتصادی، می‌تواند تمام نقایص کشورهای در حال توسعه را حل کند، بر این اعتقاد است که ایده ایجاد شوک اقتصادی برای حرکت از سوی اقتصاد دستوری به سوی اقتصاد لیبرال نمی‌تواند مورد پذیرش باشد و در مقابل، با استناد به ناکارآمدی شیوه مزبور در بحران اقتصادی شرق آسیا، به اصلاحات تدریجی اقتصادی توجه دارد؛ ۳. عدم مداخله خارجی در فرایند توسعه و لزوم تدوین برنامه متناسب با شرایط بومی. در فرایند تحقق توسعه حق تعیین سرنوشت باید براساس مدل تمامی کشورها به رسمیت شناخته شود. این ایده در مدل چینی توسعه، دقیقاً بازتاب نگرش چینی به مفهوم سنتی حاکمیت کشورهاست که از اوایل دهه ۱۹۵۰، بر گفتمان‌های سیاسی گوناگون چین در تعامل با نظام بین‌الملل سایه افکند. مهم‌ترین بخش‌های این ایده عبارت‌اند از: احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت سرزمینی، عدم تجاوز متقابل، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، برابری، مبادلات سودمند متقابل و در نهایت همزیستی مسالمت‌آمیز است؛

۴. تغییر اجتماعی سرآغاز تغییر اقتصادی. بنابراین اجماع پکن در سه اصل خلاصه می‌شود: الف) نوآوری نهادی، ب) توسعه عادلانه و پایدار و ج) خود تصمیم‌گیری (yao, 2011: 28). بر اساس این سه اصل، اجماع پکن توانسته براساس اشتراکات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و توأم با صلح محوری، گفت‌وگوی دوجانبه با سایر کشورها، سرمایه‌گذاری در بخش‌های کم‌بازده در کشورهای در حال توسعه، تامین مالی و استقبال از توسعه در سرزمین‌هایی با سرمایه‌گذاری با ریسک بالا، بهره‌گیری از رسانه‌های بین‌المللی، ترویج فرهنگ و زبان چینی، حمایت از طرح‌های دوجانبه و در نهایت گرایش به سمت طرح‌های کلان مانند «کمربندراه» حضور خوبی داشته باشد.

شن و چان در مقاله خود که به مطالعه تطبیقی طرح مارشال و طرح یک کمربند یک راه می‌پردازند، تاکید دارند هر دو طرح در سیستم ناکارآمد جهانی به تصویب رسیدند که دانشمندان لیبرال آن را «شکست بازار» یا «عدم تعادل» می‌نامند. دانشمندان واقع‌گرا آن را «خلأ قدرت جهانی» با «فرصت‌های هژمونیک» می‌نامند، اما در تاریخ شاهد بحران‌های مالی و رکود طولانی در قبل از اجرای این گونه طرح‌های بزرگ هستیم که به نظر می‌رسد طرح یک کمربند یک‌راه، تکمیل‌کننده یا جایگزین نظم قبلی خود باشد و پتانسیل این را دارد که به‌عنوان ابزار سیاست‌گذاری برای رفع مشکلات سیستم جهانی شناخته شود (Shen & Chan: 2018: 2-3). می‌توان گفت با بحران مالی ۲۰۰۸ و سقوط وال استریت نوعی سقوط اجماع واشنگتن صورت گرفت. جایی که نئولیبرالیسم که بر "دولت محدود" و "حداقل مقررات و تخصیص اعتبار" در بازار آزاد اعتبار خود را از دست داد و بسیاری از مفسران این سؤال را مطرح می‌کردند که آیا سرمایه‌داری به رهبری دولت چین می‌تواند جایگزین باشد؟ که «دیوید ایگناتیوس» (نویسنده واشنگتن پست)، از ظهور جهانی «مداخله‌گرایی جدید» الهام گرفته از کنفوسیوس استقبال می‌کند و می‌گوید: «همه ما اکنون چینی هستیم». (Arrighi & Zhang, 2011: 35-36). بنابراین اجماع پکن برخلاف آرای اجماع واشنگتن که به جریان آزاد سرمایه و ارز توجه دارد، به مداخله در حفظ بازار ارز و سازوکار آن اعتقاد دارد؛ لذا شاهدیم دولتمردان چینی برای اینکه صادرات، محرک

اصلی توسعه اقتصادی شود به شدت، تمایل به حفظ و کنترل سرمایه دارند (صالحی و حسن زاده، ۱۳۹۵: ۸۳). در ذیل به طور اختصار به بررسی سه نظم لیبرالی، نئولیبرالی و پسائولیبرال می‌پردازیم و سپس به منظور بررسی اجماع پکن در سه حوزه «منابع»، «ایده‌ها» و «نهادها» که در یک نظم هژمون طبق نظریه کاکس اتفاق می‌افتد، می‌پردازیم.

الف) نظم لیبرالی

با پایان جنگ‌های ناپلئونی در سال ۱۸۱۵، قدرت‌های اروپایی متوقف شدند. با کنسرت اروپا، انقلاب صنعتی تقویت شد و بریتانیا با اولویت دریایی از یک نظم تجاری باز، بهره برد. در طول قرن نوزدهم، جهانی شدن اقتصاد شکل گرفت. این امر به نوعی سبب نظمی هژمونیک بر مبنای منشور آتلانتیک بوده که آمریکا در یک سو و حوزه یورو در سوی دیگر این نظم قرار داشته اند (Kupchan & other, 2014: 3). این نظم با افزایش قدرت آمریکا طی هفت دهه، نظمی لیبرالی حاصل کرد که در این مسیر ایالات متحده به «شهروند درجه اول»^۱ این نظم تبدیل شد و رهبری هژمونیک را برعهده داشت که پایه تقویت همکاری و اتحاد، ایجاد ثبات در اقتصاد جهانی و دفاع از ارزش‌های «جهان آزاد»^۲ انجام شد (Ikenberry, 2018: 7). این شروع با تاسیس بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل متحد در سال‌های ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵، شروع و با ایجاد ناتو، عمیق‌تر شد (Trine & other, 2014: 2). با شکل‌گیری این نظم، اروپای غربی و ژاپن نیز به‌عنوان شرکای اصلی ظاهر شدند و امنیت و ثروت اقتصادی خود را به این نظم لیبرال متصل کردند (Ikenberry, 2018: 7). لیبرالیسم، به‌عنوان یک تئوری، ارزش‌های دموکراتیک، وابستگی اقتصادی و نهادهای بین‌المللی را به عنوان چهارچوبی برای همکاری در حل بحران‌ها، مشکلات جهانی و همچنین ترویج گسترده رفاه عمومی می‌داند (Parmar, 2018: 154). این رویه به‌ویژه از زمان جنگ جهانی دوم پررنگ‌تر شد و ارزش‌هایی از جمله دموکراسی لیبرال، سرمایه‌داری صنعتی، ملی‌گرایی سکولار و

1. first citizen

2. free world

تجارت باز را تبلیغ می‌کرد. (Kupchan, 2014: 6)

ب) نظم نئولیبرالی

با به قدرت رسیدن «ریگان» و «تاچر» در ایالات متحده و بریتانیا در دهه ۱۹۸۰، نقطه عطفی در تاریخ نئولیبرالیسم به‌شمار می‌آید. آنها تغییر جهتی اساسی از سیاست‌های دولت‌های رفاه پیشین را دنبال کردند، تلاش شد تا «خصوصی‌سازی گسترده و کوچک کردن دولت صورت گیرد»، «کاهش نقش دولت و مداخله‌های آن در اقتصاد»، «پایین آوردن هزینه‌های رفاهی و اجتماعی دولت‌ها» و «اعتماد به سازوکار بازار» در دستور کار قرار گیرد (خالقی، ۱۳۹۵: روزنامه دنیای اقتصاد).

ج) نظم پسا نئولیبرالیسم

این نظم ترکیبی از نظم نئولیبرالیستی و لیبرالیستی است که به نوعی با شکست‌ها و ناکامی‌های این رویکرد روبه‌رو است که شاهد چندجانبه‌گرایی جدید در قالب سازمان‌ها، ساختارها و نهادها هستیم. در این نظم شاهد افزایش قدرت کشورهای نوظهور و در حال توسعه و کاهش نسبی نفوذ کشورهای پیشرفته و نیز تسریع هم‌گرایی جهانی و تغییر توازن قدرت به نفع کشورهای در حال توسعه هستیم که با شکست سیاست‌های نئولیبرالیستی (سیاست‌های تعدیل ساختاری) و ناکارآمدی آن که توسط صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی سیاست‌های نئولیبرالیستی عملاً نیز شکست خورده تلقی می‌شود، چراکه بحران بدهی ۱۹۸۰ و ۲۰۰۸ را نیز به وجود آورد. این سیاست‌ها که بر روی حدود یک‌صد کشور اعمال شد، بین سال‌های ۱۹۷۳ تا اوایل دهه ۱۹۹۰، نرخ رشد و ثبات مالی با رشد آهسته و ناکارآمدی اقتصادی و مالی همراه بود. (Altun, 2015:7) روند رو به رشد این رویکرد را می‌توان از زمانی دانست که چین به سازمان تجارت جهانی پیوست؛ از زمان پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی (WTO) تجارت آمریکا با چین از ۱۲۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ به ۷۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ رسیده است. در همین دوره اقتصاد چین چهار برابر شده و از چهارمین اقتصاد به دومین اقتصاد دنیا رسیده است. هم‌اکنون بزرگ‌ترین طبقه متوسط جهان در چین زندگی می‌کنند و از ده بانک جهان، چهار بانک چینی

هستند. چین همچنین دارای بزرگ‌ترین بازار تجارت الکترونیکی است. همه این موارد در حالی شکل گرفته که آمریکا سعی داشت با عضویت چین در سازمان تجارت به موضع ضعف چین برسد، اما اکنون شاهد ضعیف شدن نفوذ و منافع آمریکا هستیم که دونالد ترامپ سعی دارد استراتژی امنیت ملی آمریکا را تغییر دهد. (Meltzer & Shenai, 2019: 7) همچنین می‌توان شاهد بود که چین در بسیاری از مناطق دنیا حجم معادلاتش را افزایش داده که یک نمونه آن حجم تجارت چین و خاورمیانه از ۱۸ میلیارد دلار به ۳۱۲ میلیارد دلار بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ است که حدود ۱۷ برابر افزایش داشته است. (Sevilla Jr, 2017: 87) همچنین، پکن با تسری به رویه خود سعی کرده که در نظم موجود اهداف خود را توسط بانک‌ها پیش ببرد؛ برای نمونه بانک توسعه چین در ژوئن ۲۰۱۶ اعلام کرد که ۸۹۰ میلیارد دلار در بیش از نهمصد پروژه «یک کمربند و یک جاده» در شصت کشور سرمایه‌گذاری خواهد کرد (Sevilla Jr, 2017: 96).

۲-۱. مؤلفه‌های نظم‌بخش اجماع پکن

در ذیل به بررسی سه حوزه نظم‌بخش اجماع پکن، شامل: «منابع مالی و پولی»، «ایده‌ها» و «نهادها» که نوعی تکمیل‌کننده هژمون و یا چالش‌ساز هژمون هستند، می‌پردازیم. می‌توان گفت نظم قبلی که توسط لیبرالیسم ایجاد شد، با توجه به کاستی و بحران‌های پی‌درپی شاهد یک رویکرد جدید به نام اجماع پکن بود که سازوکار خاص خود را داراست و توانسته ابتدا در حوزه پیرموانی و منطقه‌ای خود و سپس به سایر نقاط دنیا، خیز به سمت یک هژمون و یا تکمیل‌کننده هژمون قدم بردارد.

۲-۱-۱. منابع مالی و پولی اجماع پکن

چین از طریق قدرت اقتصادی، سرمایه‌گذاری و حمایت‌های مالی و پولی روابط خوبی با کشورهای در حال توسعه دارد. پکن از طریق عملیاتی شدن ابرپروژه یک کمربند و یک جاده، در حدود هفتاد کشور توانسته است با سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف به عنوان بستانکار جهان معروف شود. این کشور حدود پنج هزار اعتبار و کمک مالی به ۱۵۲ کشور جهان دارد. در این راستا «کریستف تریش»

اقتصاددان دانشگاه "کیل" آلمان، می گوید: «غرب هنوز درک نکرده که این خیزش چین تا چه اندازه نظام مالی بین المللی را دگرگون کرده است» (poolnews.ir).

مهم ترین ویژگی اقتصادی روابط چین با کشورهای در حال توسعه در چند دهه گذشته به طور خلاصه شامل این موارد است: ۱. روابط حمایتی متقابل؛ ۲. وابستگی سیاست چین به کشورهای در حال توسعه در روابط آن با ابرقدرت‌ها؛ ۳. ترویج وحدت در میان کشورهای در حال توسعه به عنوان یک متغیر تغییر ناپذیر؛ ۴. افزایش تنوع در روابط چین با کشورهای در حال توسعه (Zhang, 2015: 62-65). به همین دلیل است که نخست وزیر اسبق استرالیا «کوپن رود»^۱ اظهار داشته خیلی زود برای اولین بار ما نقطه‌ای از تاریخ خواهیم یافت که از زمان «جورج سوم»، یک کشور غیر غربی غیر دموکراتیک بزرگ ترین اقتصاد خواهد بود (Xuotong, 2018: 6).

. و این باعث زیر سؤال رفتن تئوری‌های غالب (لیبرالیسم) که پایه‌ای برای تدوین و تجویز سیاست‌ها در سیستم "برتون وودز" در سطح جهانی مانند برنامه‌های تعدیل ساختاری است. (Lopes, 2012: 73) همان‌طور که «لوپز» یادآوری می‌کند، عدم تعادل قدرت در ساختارهای جهانی حاکمیت مالی و اقتصادی در سه سطح مشهود است: اول؛ ایدئولوژی غالب که کاملاً تحت سلطه تفکر پول‌گرایانه است، دوم؛ ساختار قدرت رأی‌گیری طبق سهام در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است و سوم؛ اعتقاد جدی مبنی بر اینکه کشورهای ثروتمند هرگز تحت تأثیر بحران‌ها نخواهند بود. که در بحران مالی ۲۰۰۸، شاهد استاندارهای دوگانه در طول بحران بودیم. این بحران روند آهسته‌ای از اصلاحات را آغاز کرده که نوعی اعمال فشار بر ساختار ناقص صندوق و بانک جهانی است که می‌توان به توزیع مجدد سهام رأی‌دهی اشاره کرد. در مرحله اول سهم رأی‌گیری در جنوب صحرای آفریقا ۳ درصد افزایش یافت، اما همچنان نماینده ۱٫۴ درصد از کل است. پس از دور دوم تجدید نظر، سهم سهمیه محاسبه شده چین از ۶/۳۸ به ۷/۴۷ درصد افزایش یافت. سهم کل اتحادیه اروپا از ۲۵ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۸ درصد در سال ۲۰۱۵ کاهش یابد. به همین ترتیب، در نتیجه اصلاحات در مدیریت جهانی، فقط ۳/۳ درصد آرا از سازمان همکاری و

1. Kevin Rudd

توسعه اقتصادی (OECD) به کشورهای در حال توسعه منتقل شده است. سهم چین از ۲/۷۷ به ۴/۴۲ درصد افزایش یافت و بدین ترتیب این کشور را به سومین سهام‌دار بزرگ بعد از آمریکا و ژاپن تبدیل کرد. با این حال، ایالات متحده همچنان با داشتن ۱۶/۸۵ درصد از سهام رأی، همچنان صدرنشین بازیگران و این در حالی است که بیش از یک‌سوم کشورهای آفریقایی سهام آنها کاهش یافته است (Lopes: 2012: 74-80).

منابع مالی و پولی اجماع پکن به گونه‌ای خاص در همه مناطق دنیا سرایت کرده است. مثلاً پکن در ابتکار کمربند راه، بین کشورهای اروپایی، آلمان همکاری بیشتری با چین دارد که می‌توان به پنج پروژه راه آهن چین و آلمان اشاره کرد. همچنین باید از تلاش چین در شهر فرانسوی "لیون" اشاره کرد که به شهر ابریشم معروف شده است. در این میان باید به توافق ۲۰۱۵ کمپانی کشتیرانی فرانسه و چین اشاره کرد که فرانسه حدود یک میلیارد دلار خط اعتباری از بانک صادرات و واردات چین برای خرید کانتینرهای چینی به دست آورد. پکن در بندر "روت‌دام" هلند نقش مهمی در اقتصاد هلند بازی می‌کند. علاوه بر اینها، می‌توان از عضویت انگلیس در سال ۲۰۱۵ نام برد که یک نوع پیام سیاسی بر حمایت از نهادهای چینی بود. (Chang & Pieke, 2017: 7-9). چین همچنین، با وجود بدهی‌های کشورهای حوزه مدیریتانه، به این منطقه اهمیت خاصی داده است. به طور مثال یونان در اروپا توانسته از همکاری با چین سود ببرد که حدود ۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری از سوی شرکت کشتیرانی چین در بندر "پیرائوس" یونان صورت گرفته است. چین در رابطه با اسپانیا در سه حوزه مدیریت زیرساخت‌های بزرگ، توریسم فرهنگی و صادرات موارد غذایی همکاری دارد. همچنین می‌توان از سرمایه‌گذاری چین در پنج بندر ایتالیا برای ایجاد ترمینال بزرگ کانتینر نام برد. در مورد پرتغال، پکن از وجود این کشور برای حضور در آمریکای لاتین و آفریقا استفاده می‌کند (Chang & Pieke, 2017: 12-14). در واقع، برای اتحادیه اروپا توسعه و همکاری با چین بایستی منجر به تقویت همکاری طرفین در همسایگان جنوبی و شرقی اروپا در زمینه تأمین امنیت منطقه‌ای و حمایت قانون باشد (صالحی، ۱۳۹۸: ۲۱۸-۲۱۹). چین در آسیای مرکزی از طریق

به کارگیری ابتکارات منطقه‌ای و ایجاد نهادهای اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی تلاش دارد فرایند ادغام کشورهای این منطقه را در محیط دلخواهش تسریع نماید.

بنابراین با توجه به سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته، شاهد رویکردی از سوی چین هستیم که خواه ناخواه، مکملی برای هژمون و یا تغییر دهنده آن شده‌است؛ برای مثال، یکی از مواردی که رکود اقتصادی لیبرال را نشان می‌دهد این بود که در اوایل سال ۲۰۱۱، صندوق بین‌المللی پول پیشنهاد داد که "SDR"ها (حقوق ویژه تسویه حساب صندوق بین‌المللی پول که در حال حاضر از دلار، پوند، یورو و ین تشکیل شده است) می‌توانند به تثبیت سیستم مالی جهانی کمک کنند؛ به عبارتی این بحث مطرح شد که گنجاندن ارزهای اقتصادهای نوظهور در سبد "SDR" فعلی به ارتقاء اهدافی از جمله افزایش عرضه دارایی‌های ایمن جهانی و کاهش تأثیرات منفی نوسانات نرخ ارز در بین ارزهای اصلی کمک کند و همین موضوع جایگزینی برای دلار آمریکا به عنوان ارز ذخیره جهانی تبدیل شود. در واقع، پیشنهادات برای ارز ذخیره جایگزین منعکس‌کننده نفوذ فزاینده اقتصادهای نوظهور است که بانک‌های مرکزی آنها، به ویژه در چین، سبد ارزهای خارجی خود را متنوع می‌کنند و از دلار آمریکا دور می‌شوند و همین امر، اجماع واشنگتن را در موضعی تدافعی قرار داده است (Lopes: 2012: 81-83). همچنین به منظور تثبیت جایگاه پول چین باید به معاملات غیر دلاری بین چین و سایر کشورها نام برد. پکن علاوه بر موارد یاد شده، به منظور تضعیف جایگاه دلار، رسماً از ارز دیجیتال ملی چین (DCEP) رونمایی کرده است که توسط چهار بانک دولتی از جمله بانک کشاورزی چین، بانک صنعتی و بازرگانی چین، بانک چین و بانک سازندگی چین عرضه خواهد شد (جمشیدیان، ۱۳۹۹). این سیاست باعث شده که مقامات ارشد حزب لیبرال _ دموکرات ژاپن به رهبری «آکیرا آماری» در پاسخ به ابتکار عمل چین در راه‌اندازی "یوان دیجیتال"، می‌گوید: «ژاپن باید اطلاعات و تحقیقات فنی خود را با آمریکا و سایر اعضای گروه هفت به اشتراک بگذارد، چراکه یوان دیجیتال می‌تواند چالشی بسیار جدی برای ارزهای فیات کشورهای بزرگ باشد» (جهادی، ۱۳۹۸).

۲-۱-۲. ایده اجماع پکن

برخی از اندیشمندان مانند "یان" بر این باورند که هژمونی لیبرال ایالات متحده در حال از بین رفتن است که در مقابل آن چین قرار دارد و سیاست‌های آن رهنمون آینده بین‌المللی است و نظم هنجاری آن بر سه ارزش سیاسی، شامل: مارکسیسم، عمل‌گرایی اقتصادی و ارزش‌های سنتی چینی تأکید دارد. چین توانسته است ارزش‌های سنتی‌اش را با نظم بین‌المللی تطبیق دهد و بر ارزش‌هایی مانند خیرخواهی، عدالت و برابری، دموکراسی و آزادی تأکید داشته باشد (Xuetong, 2018: 1-2). فرهنگ چین سده‌هاست که منطقه وسیع آسیای شرقی را تحت تأثیر قرار داده است. اجماع پکن به عنوان یک منبع قدرت نرم شناخته می‌شود که می‌تواند جذابیت زیادی را در دیگر کشورها ایجاد کند. بر همین مبنا نخبگان چینی تأکید دارند که «پیروزی بر دشمن و در کنترل درآوردن آن بدون جنگ و پیروزی اوج مهارت است» (جیانگ لی، ۱۳۹۰: ۲۸). فرهنگ سنتی چین با اولویت دادن به «انسانیت» و «همسازی بین طبیعت و انسان» می‌تواند رهیافت‌های جایگزینی در پاسخ به این مشکلات ارائه دهد (جیانگ لی، ۱۳۹۰: ۷۲). بر پایه گزارش موسسه آمار یونسکو در سال ۲۰۰۵، چین از حیث درآمد حاصل از صدور کالاها و خدمات فرهنگی در رده چهارم جهان بوده است. در سال‌های اخیر نیز چین صادرات فرهنگی خود را گسترش داده و در سال ۲۰۱۲ به میزان ۲۱/۷۳ میلیارد دلار درآمد داشته است (جعفری و جانباز، ۱۳۹۴: ۲۸). چینی‌ها با ۲۲۶۳ دانشگاه رکورددار آموزش در نظام بین‌المللی هستند. در این زمینه اگر دانشجویان چین از بسیاری از دانشگاه‌های انگلیس و استرالیا خارج شوند، این دانشگاه‌ها توان تداوم نخواهند داشت و از دو میلیون دانشجوی خارجی در سطح جهان، ۸۰ درصد از آسیا و ۹۰ درصد از این ۸۰ درصد از چین و هند هستند (جعفری و جانباز، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

همچنین، در حوزه سیاست خارجی نخبگان چین به عنوان متولیان تغییر سیاست خارجی، نوع رفتار سیاست خارجی چین را تغییر داده و آن را از زمره مسائل منزلتی به مسائل مادی منتقل دادند (جعفری و جانباز، ۱۳۹۴: ۱۳۱). قدرت نرم سیاسی چین بر «دوره مهم فرصت استراتژیک» تأکید دارد که بر مبنای آن، چین

باید تلاش جدی کند تا چهار محیط، بین‌المللی صلح‌آمیز و باثبات، همسایگی دوست و صمیمانه در مناطق پیرامونی، همیاری مبتنی بر برابری و منافع متقابل و همچنین محیط عینی و رسانه‌ای صمیمی را تضمین نماید (جیانگ لی ۱۳۹۰: ۸۱). علاوه بر موارد فوق، چین به عنوان عضو دائم شورای امنیت، در راستای قدرت نرم خودش از جمله امضاء معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات، معاهده جامع منع آزمایش هسته‌ای، کنوانسیون تسلیحات متعارض را امضاء کرده است و از اعضای سازمان جهانی مالکیت فکری، «کنوانسیون برن» برای حفاظت از آثار ادبی و هنری، «کنوانسیون مادرید» درباره ثبت بین‌المللی مارک‌ها، کنوانسیون جهانی حق نسخه‌برداری (کپی‌رایت) و توافق‌نامه مربوط به ابعاد تجاری حقوق مالکیت فکری که سازمان تجارت جهانی آن را مدیریت می‌کند، می‌باشد که همگی در راستای تأثیر نظم در راستای تأثیر چین بر نظم منطقه‌ای و بین‌المللی است (جعفری و جانباز، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

همان‌طور که «اکمان» می‌گوید، چین در راستای قدرت نرم خود در ابتکار کمربند راه، بر واژه «ابتکار» تأکید دارد نه استراتژی. این یک مفهوم مترقیانه و دارای بار مثبت است که در راستای منافع دیگر کشورها تلقی می‌شود (Ekman, 2017: 12). در عرصه قدرت نرم اجماع پکن، باید به ورود صلح‌محور و سازگار با نظم نئولیبرالیستی، ترویج مدارا، سازش با دموکراسی، ترویج زبان و فرهنگ کنفوسیوسی، مقابله با تبلیغات خصمانه علیه چین و تأکید بر تکرر فرهنگ، نقد جزمیت و تجویز گونه غرب برشمرده که باعث پیوندهای ساختاری میان ظرفیت‌های مادی، ایده‌ها (تساویر جمعی نظم اجتماعی _ جهانی) و نهادها شده است.

۲-۳. نهادهای اجماع پکن

هرچند با تسامح می‌توان به نهادهای مالی مانند بانک آسیا و آفریقا و نیز "بریکس" اشاره داشت، دو نهاد ذیل صرفاً با توجه به اجماع پکن شکل گرفته است.

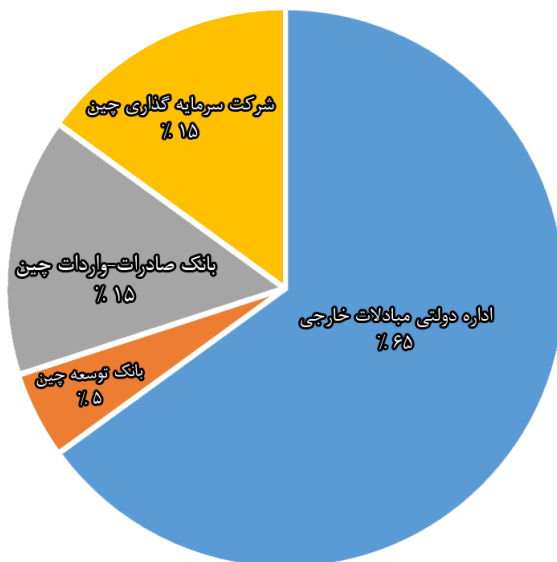
۱. صندوق جاده ابریشم

صندوق جاده ابریشم به‌طور صریح برای تأمین بودجه پروژه‌های «یک کمربند یک

راه «تاسیس شده که توسط موسسه‌های مختلف دولت چین تأمین می‌شود (میرترابی و ترکی، ۱۳۹۸: ۴۳۷). به عبارتی، رویکرد صندوق به دو صورت کلی «تامین مالی پروژه‌ها از طریق اعطای وام» و یا «خرید سهام عرضه شده توسط شرکت‌ها» انجام می‌گیرد. کارویژه اصلی این نهاد چینی، سرمایه‌گذاری و حمایت مالی از همکاری‌های تجاری _ اقتصادی و نیز توسعه ارتباطات میان کشورها در قالب پروژه‌های مرتبط با طرح جاده ابریشم جدید می‌باشد. یکی از نخستین سرمایه‌گذاری‌های صندوق راه ابریشم، در سال ۲۰۱۵ و در ارتباط با مجموعه پروژه‌های اجرایی چین در پاکستان موسوم به «سی‌پک» به انجام رسید. به موجب این پروژه، صندوق راه ابریشم به میزان ۱,۶۵ میلیارد دلار در ساخت نیروگاه برق‌آبی ۷۲۰ مگاواتی «کاروت»^۱ واقع در شرق اسلام‌آباد، سرمایه‌گذاری کرده است. دیگر سرمایه‌گذاری مهم صندوق، می‌توان به خرید ۹,۹ درصد از سهام ابرپروژه نیروگاه گاز طبیعی «یامال»^۲ در روسیه اشاره کرد. این پروژه ۲۷ میلیارد دلاری که تأمین مالی آن علی‌رغم تحریم‌های بین‌المللی علیه روسیه انجام شد، زمان انتقال گاز مایع از مسیر اروپا و کانال سوئز را نصف کرده و باعث می‌گردد کشتی‌های حامل گاز مایع، ظرف پانزده روز به چین برسند. همچنین از جدیدترین اقدامات صندوق باید به شریک شدن این صندوق در سهام پروژه «بسترسازی برای انرژی‌های تجدیدپذیر» در عربستان سعودی نام برد. به موجب این قرارداد، صندوق راه ابریشم، ۴۹ درصد از سهام پروژه مذکور را از شرکت «آکوا پاور»^۳ خریداری نموده است. به‌نوعی می‌توان جاده ابریشم را یک جهانی‌سازی واقعی از ایده‌ها دانست که توسط تجارت و بر اساس احترام به تنوع دیگران، مبادله و یادگیری متقابل تسهیل می‌شود (Sevilla Jr, 2017: 97) که سرمایه اولیه آن ۴۰ میلیارد دلار و براساس نمودار ذیل است:

-
1. Karot
 2. Yamal
 3. ACWA Power

نمودار ۲.



(منبع: رادگودرزی و صفری، ۱۳۹۸: ۲۵۴)

رویکرد چین اهداف بلندپایه تری دارد. همان‌طور که «ژنگ ژی جی»، رئیس بانک توسعه چین اعلام کرده این بانک از سال ۲۰۱۳ تاکنون برای تأمین مالی بیش از ۶۰۰ پروژه مربوط به طرح موسوم به جاده و کمربند که از آن به عنوان جاده ابریشم جدید یاد می‌شود، هزینه کرده است. تنها در سال ۲۰۱۸، این بانک پروژه‌هایی به ارزش ۱۰۵,۹ میلیارد دلار که مربوط به این پروژه بوده‌اند را تأمین مالی کرده است که معادل یک سوم کل فعالیت‌های این بانک در سال گذشته بوده است (بی‌نا، ۸ فروردین ۱۳۸۸، سایت: www.isna.ir).

۲. بانک زیرساخت آسیایی

چین برای تثبیت جایگاه خود نهادسازی را با بانکداری شروع کرده است. در این امر پروژه‌های جاده ابریشم توسط بانک‌های دولتی چین و یک مجموعه از صندوق‌های چندجانبه و دولتی، مثل صندوق جاده ابریشم، بانک توسعه زیرساخت آسیایی و بانک توسعه بریکس تأمین خواهد شد (یزدانی و شاه‌محمدی، ۱۳۹۳: ۱۵۸). شی جینگ‌پی در اکتبر سال ۲۰۱۳، در دیدار با رئیس جمهور اندونزی ایده بانک

سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا را مطرح کرد. در ادامه تلاش‌های پکن در اکتبر ۲۰۱۴، نمایندگان ۲۲ دولت آسیایی با محوریت چین برای تاسیس رسمی سازمان مرکزی این بانک یک یادداشت تفاهم امضاء کردند که در نهایت اعضای موسس بانک تا سال ۲۰۱۵، به ۵۷ دولت رسید و اولین بانک بین‌المللی با عضویت دولت‌های آسیایی و برون آسیایی با ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه استقرار یافت. کارکردهای این نهاد عبارتند از ترویج سرمایه‌گذاری از طریق سرمایه‌های دولتی و خصوصی برای اهداف توسعه زیرساخت‌ها و دیگر بخش‌های تولیدی، بهره‌گیری از منابع برای تأمین طرح‌هایی که در منطقه به‌طور مؤثر رشد اقتصادی سازوار در آسیا _ اقیانوسیه به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته را به مثابه یک کل پیش می‌برد (تقی زاده انصاری، ۱۳۹۵: ۱۶۲).

در ذیل کشورهای سرمایه‌گذار در بانک زیرساخت آسیا می‌آید که حائز اهمیت است.

جدول ۱. بزرگترین شرکای بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا (برحسب میلیارد دلار)

اعضای منطقه‌ای	میزان سرمایه	اعضای غیرمنطقه‌ای	میزان سرمایه
چین	۳۹,۸	آلمان	۴,۵
هند	۸,۴	فرانسه	۳,۲
روسیه	۶,۵	برزیل	۳,۲
کره جنوبی	۳,۷	بریتانیا	۳,۱
استرالیا	۳,۷	ایتالیا	۲,۶
اندونزی	۳,۴	اسپانیا	۱,۸
ترکیه	۲,۶	هلند	۱
عربستان	۲,۵	لهستان	۰,۰۸
ایران	۱,۶	سوئیس	۰,۰۸
تایلند	۱,۴	مصر	۰,۰۷
سایرین	۱۱,۴	سایرین	۳,۴

(منبع: تقی زاده انصاری، ۱۳۹۵: ۱۶۴)

بانک با سرمایه اولیه ۱۰۰ میلیارد دلاری بخش مهمی از منابع مالی این بانک به تأمین مالی طرح‌های ابتکار یک کمربند یک راه اختصاص یافته است (میرترابی و ترکی، ۱۳۹۸: ۴۳۷). چین تقریباً نیمی از سرمایه ۱۰۰ میلیارد دلاری را (مبلغ ۴۰ میلیارد دلار سرمایه) برای ابتکار راه ابریشم کمک خواهد کرد (Sevilla Jr, 2017).

98). این بانک متشکل از ۵۸ عضو اصلی است که بسیاری از پروژه‌ها؛ از جمله انرژی و برق، زیرساخت‌های روستایی و توسعه کشاورزی، تامین آب و بهداشت، حمل و نقل، ارتباطات، حفاظت از محیط زیست و توسعه شهر را بر عهده دارد. (www.aiib.org) از جمله اهداف بانک مطابق با اساسنامه عبارتند از: ۱. ترویج توسعه اقتصاد پایدار، ایجاد ثروت و بهبود ارتباط زیرساخت در آسیا با سرمایه‌گذاری در زیرساخت و دیگر بخش‌های مولد؛ ۲. ترغیب مشارکت و همکاری منطقه‌ای برای مشخص کردن چالش‌های توسعه‌ای با تلاش برای همکاری تنگاتنگ با دیگر مؤسسات توسعه دو جانبه و چند جانبه. در این میان، آمریکا از پیوستن به بانک خودداری کرده است. ژاپن نیز در همراهی با آمریکا دعوت پکن را رد کرده، اما انگلیس، آلمان، ایتالیا، استرالیا، کره جنوبی، فلیپین به دعوت چین پاسخ مثبت داده و به عضویت بانک درآمده‌اند. براین اساس بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا چالشی برای نقش محوری و غالب آمریکا در نهادهای برجسته مالی و تجاری بین‌المللی است. به گونه‌ای که افزایش ثروت اقتصادی چین در طول بیش از سه دهه گذشته جایگاه و موضع بین‌المللی این کشور را تقویت کرده است (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۹۵: ۱۷۰-۱۶۳).

نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی چالش نظم نئولیبرال پرداختیم که اجماع پکن با محوریت چین یکی از مهم‌ترین چالش‌های آن به شمار می‌آید. این چالش برای نظم نئولیبرال در «منابع مالی و پولی»، «ایده‌ها» و «نهاد»ها مشخص شده است که باعث تغییر در «اهداف»، «سازمان» و «ساختار» نظم بین‌المللی شده است.

این پژوهش از چهارچوب نظری کاکس بهره گرفت، مبنی بر اینکه قدرت هژمون ابتدا در دورن مرزهای خویش و سپس تسری به منطقه و سپس فرای منطقه باعث شکل‌گیری قدرتی قوی می‌شود، می‌تواند تبدیل به هژمون شود. چین با قدرت اقتصادی خویش و با صورت‌بندی اجماع پکن توسط ابتکار کمربند راه، نوعی تقابل‌گرایی را با اجماع واشنگتن رقم زده است و تا حدودی پیش‌رفته است. در مقاله به بررسی این مصادیق پرداختیم که رویکرد و رویه این دو نظم تفاوت‌های

چشمگیری دارند و بسیاری از مؤلفه‌های اجماع واشنگتن با اجماع پکن در سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی در آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین و شرق آسیا در منابع مالی، نهاد و ایده تفاوت‌های چشمگیر و عملکرد متفاوتی دارد. پکن معمولاً با تمامی کشورها با انواع نظام‌های سیاسی سعی در بهبود روابط دارد و کمتر توجه خود را به این امر صرف می‌کند و مبنای فرهنگی خود را «گفت‌وگو محوری» قرار داده است.

بنابراین چین با قدرت اقتصادی خود در عمل، جایگزین نظم نئولیبرال و یا دست‌کم تضعیف‌کننده آن است و با توجه به ناکارآمدی و بحران‌های نظام سرمایه‌داری، سعی در جبران کسری اقتصاد کشورهای پیرامون داشته و از طریق «کمک‌های مالی و پولی» با تأکید بر ایده صلح محوری کنفوسیوسی با رویکردی گفت‌وگو محور به سمت نهادسازی (صندوق جاده ابریشم و بانک زیرساخت آسیایی) حرکت کرده است. سیاست‌مداران چینی با سرمایه‌گذاری در بیش از ۱۵۰ کشور در زیرساخت‌ها، سعی دارند شرکایی مداوم و پویا داشته باشند.

در نهایت می‌توان گفت اجماع پکن در کوتاه مدت، به دنبال چالش جدی با اجماع واشنگتن نیست و از نظم موجود بهره می‌برد و بر فرهنگ مدارا و مسالمت تأکید دارد. در میان مدت، از طریق نهادها و ابزارهای مالی و پولی با تأکید بر اقتصاد به دنبال افزایش قدرت اقتصادی خود است و سعی دارد تغییر هژمون صورت نگیرد. در بلند مدت، می‌تواند در مسیر افزایش قدرت نظامی، سیاسی و ایدئولوژیکی خود باشد که زمینه‌های ظهور آن را می‌توان در رزمایش‌های مشترک نظامی و افزایش فروش سلاح به کشورهای آسیایی جستجو کرد.

منابع

- بانگ، ز. (۱۳۹۰). «معمای قدرت نرم چین، بازنگری در اجماع پکن». در *تقدیرت نرم چین، استراتژی چین در حال ظهور در سیاست بین الملل*. جیانگ لی، مینگ. ترجمه: عسگر قهرمانپور بناب. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- تقی زاده انصاری، محمد (۱۳۹۵). «چالش بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و هژمونی مالی اقتصادی آمریکا». *فصلنامه سیاست جهانی*. د ۵. ش ۲. صص ۱۴۷-۱۷۶.
- جعفری، علی اکبر و دیان جانباغ (۱۳۹۴). «قدرت نرم و جایگاه چین در نظام جهانی». *فصلنامه سیاست جهانی*. د ۴. ش ۴. صص ۱۲۹-۱۶۴.
- جوزانی کهن، شاهین و شایان جوزانی کهن (۱۳۹۸). «چند جانبه‌گرایی بر اساس مدل اجماع پکن؛ راهبرد چین در منطقه آسیای شرقی». *فصلنامه سیاست خارجی*. د ۳۳. ش ۳. (پیاپی ۱۳۱). صص ۱۵-۱۳۵.
- رادگودرزی، معصومه و عسگر صفر (۱۳۹۸). «نهادسازی منطقه‌ای چین و آینده نظم بین‌المللی لیبرال: مطالعه موردی: آسیای مرکزی». *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*. س ۸. ش ۳۰. پاییز.
- شیرخانی، محمدعلی و فریبرز ارغوانی پیرسلامی (۱۳۹۵). «اجماع پکن؛ الگوی توسعه در عصر جهانی شده». *فصلنامه سیاست*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. د ۴۶. ش ۱. صص ۱۲۹-۱۴۹.
- صالحی، مختار و فرامرز حسن زاده (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی اجماع پکن و اجماع واشنگتن» *فصلنامه روابط خارجی*. س ۸. ش ۴. زمستان.
- صالحی، مختار (۱۳۹۸). «ابتکار راه ابریشم جدید چین و راهبرد اتحادیه اروپا». *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*. س ۸. ش ۳۰.
- متقی، ابراهیم، و علیرضا رضایی (۱۳۸۸). «تبیین مبنای تئوریم تحلیل نظم جهانی در دوران پساجنگ سرد». *فصلنامه سیاست*. د ۴۱. ش ۴. صص ۲۶۵-۲۸۲.
- میرترابی، سعید و هادی ترکی (۱۳۹۸). «ابتکار احیای جاده ابریشم چین در تکاپوی تامین امنیت انرژی و توسعه صادرات» *دوفصلنامه مطالعات اقتصادی سیاسی بین‌الملل*. د ۲. ش ۲. بهار و تابستان.
- نریمانی، گلناز؛ اخوان کاظمی، مسعود و صادقی، سید شمس‌الدین (۱۳۹۷). «تحلیلی بر

- راهبردها و ابزارهای تحکیم و گسترش قدرت نرم چین». فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل. ۱۱۰ د. ش ۴۳.
- یزدانی، عنایت‌الله و پریسا شاه‌محمدی (۱۳۹۳). «بررسی وجوه مثبت و لزوم پویایی ایران در ابتکار کمربند اقتصادی از منظر مکتب کپنهاگ آسیایی». فصلنامه مطالعات آسیا مرکزی و قفقاز. ۲۲ د. ش ۸۸.
- بی‌نا (۱۰ تیر ۱۳۹۸). «وام‌های چین در مسیر وابستگی اقتصادی و سیاسی دیگر کشورها». تاریخ دسترسی: ۱۳۹۹. نشانی: poolnews.ir/001Iuh
- جمشیدیان، الهام (۲۹ فروردین ۱۳۹۹). کارمندان دولت چین از ماه آینده ارز دیجیتال ملی دریافت خواهند کرد، تاریخ دسترسی: ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۹، نشانی: <https://arzdigital.com/chinese-local-government-employees-to-receive-central-bank-digital-currency-in-may-report/>.
- جهادی، مجید (۱۹ بهمن ۱۳۹۹). جنگ ارزهای دیجیتال ملی؛ ژاپن خواستار مقابله با یوآن چین شد، تاریخ دسترسی: ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۹، نشانی: <https://arzdigital.com/japanese-politicians-want-g7-response-to-china/>
- خالقی، امیرحسین (۱۳۹۵). «نئولیبرالیسم به زبان ساده». روزنامه دنیای اقتصاد. شماره ۴۶۵۱. تاریخ چاپ: ۶ آبان ۱۳۹۵. نشانی اینترنتی: <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3264646>
- بی‌نا (۸ فروردین ۱۳۸۸). تأمین مالی سنگین چین برای جاده ابریشم جدید. تاریخ دسترسی: ۳۱ شهریور ۱۳۹۹. نشانی: <https://www.isna.ir/news/98010802398/>
- Altun, Sirma. (2015), Debating the Neoliberal Transformation in People's Arrighi, Giovanni and Lu Zhang. (2011), BEYOND THE WASHINGTON CONSENSUS: A NEW BANDUNG? See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/252076182>.
- Arrighi, Giovanni and Zhang, Lu (2011), beyond the washington consensus: a new bandung, adrees: https://www.researchgate.net/publication/252076182_BEYOND_THE_WASHINGTON_CONSENSUS_A_NEW_BANDUNG.
- Bieler, Andreas, and Adam David Morton. 2003. Theoretical and Methodological Challenges of Neo-Gramscian Perspectives in International Political Economy.
- Chang, Chang and Chang, Frank (2017), China, the EU and the Netherlands –A Chinese Perspective, China, the EU and the Netherlands –A Chinese Perspective Vincent Chang and Frank Pieke This publication is part of a series of Leiden Asia Centre Press. adrees: <https://leidenasiacentre.nl/wp->

- content/uploads/2017/06/LAC-report-CN-EU-NL-2017.07-final.pdf.
- Cox, Robert W. 1981. Social Forces, States and World Orders: Beyond International Relations Theory. Millennium: Journal of International Studies 10 (2): 126–155.
- Ekman, Alice, (2017), “China's New Silk Roads: A Flexible Implementation Process, from Words to (Re)action? “, IN: Alic Ekman & et al, Three Years of China's New Silk Roads, Brussels: Ifri.
- Flockhart, Trine and other (2014), Liberal Order in a Post-Western World, Transatlantic Academy, Washington, DC 20009, This publication can be downloaded for free at www.transatlanticacademy.org.
- Henelito A. Sevilla Jr (2017) China's New Silk Route Initiative: Political and Economic Implications for the Middle East and Southeast Asia, Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies, 11:1, 83-106, DOI: 10.1080/25765949.2017.12023327
<https://www.aiib.org/en/index.html>
- Ikenberry, G. John (2018), The end of liberal international order? Published by Oxford University Press on behalf of The Royal Institute of International Affairs.
- Javier, Va dell, Leonardo, Ramos and Pedro Neves. (2014), The international implications of the Chinese model of development in the Global South: Asian Consensus as a network power. Revista Brasileira de Política Internacional, Adress: http://www.scielo.br/scielo.php?script=sci_arttext&pid=S0034-73292014000300091 .
- Kupchan, Charles A (2014), Reordering Order: Global Change and the Need for a New Normative, Liberal Order in a Post-Western World, Transatlantic Academy, Washington, DC 20009, This publication can be downloaded for free at www.transatlanticacademy.org.
- Lopes, Carlos, (2012), Economic Growth and Inequality: The New Post-
- Meltzer, Joshua P and Shenai, Neena, (2019), The US-China economic relationship: A comprehensive approach, Adrees: <https://www.brookings.edu/research/the-us-china-economic-relationship-a-comprehensive-approach/>
- NYE, JR, JOSEPH S (2019) The rise and fall of American hegemony from Wilson to Trump. Published by Oxford University Press on behalf of The Royal Institute of International Affairs. All rights reserved. For

- permissions, please e-mail: journals.permissions@oup.com.
- PARMAR,INDERJEET(2018), The US-led liberal order: imperialism by another name?Published by Oxford University Press on behalf of The Royal Institute of International Affairs.
- Ramo, Joshua Cooper. (2004). The Beijing Consensus: Notes on the New Physics of Chinese Power. London: Foreign Policy Centre.
- Republic of China: Washington Consensus and Beyond, Eberhard Karls University, Tuebingen.
- Shen, Simon and Chan, Wilson(2018), A comparative study of the Belt and Road Initiative and the Marshall plan, Palgrave Communications volume 4, Article number: 32.
- Washington Consensus, Centro de Estudos Sociais da Universidade de Coimbra. Adrees: <http://journals.openedition.org/rcsar/426>.
- Yan, Xuetong (2018), Chinese Values vs. Liberalism: What Ideology Will Shape the International Normative Order?, The Chinese Journal of International Politics, Volume 11, Issue 1, Spring 2018, Pages 1–22.
- Yao, yang. (2011), BEIJING CONSENSUS OR WASHINGTON CONSENSUS: What Explains China’s Economic Success? Adrees: https://openknowledge.worldbank.org/bitstream/handle/10986/6098/departmental_13_1_26.pdf;sequence=2 .
- Zhang, Qingmin, (2015), “China’s Relations with Developing Countries: Patterns, Principles, Characteristics, and Future Challenges”, in Handbook on China and Developing Countries, Edited by Carla P. Freeman. Edward Elgar Publishing Limited.